

۱

تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق در چارچوب نظریه وابستگی متقابل پیچیده

محمدعلی رفیعی^۱

درجه مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

^۱. دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران، ایران. mdarafiei@gmail.com

چکیده

روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق علیرغم فراز و نشیب‌ها و بحران‌های امنیتی و سیاسی، روند فزاینده گسترش تعاملات را تجربه می‌کند. می‌توان گفت طی دو دهه اخیر نشانه‌های تبدیل الگوی روابط دو کشور از رویکرد امنیت محور به تعاملات پیچیده، چندبُعدی و درهم‌تنیده قابل مشاهده است. هدف از این پژوهش، تبیین روابط دوجانبه و تحول در آن بر اساس نظریه وابستگی متقابل پیچیده (و نامتقارن) است. سؤال اصلی پژوهش این است که روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق چگونه می‌تواند در برابر آسیب‌های درون زاد و تهدیدات طرف ثالث مقاوم گردد؟ فرضیه پژوهش این است که با هدف مقاوم‌سازی روابط دوجانبه از طریق وابستگی متقابل چندبُعدی، می‌بایست سیاست نهادینه‌سازی روابط اقتصادی، گسترش همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی، همکاری‌های محیط زیستی و خدماتی، تقویت روابط نهادی، کاهش شخصی‌سازی و مقاوم‌سازی روابط در برابر کشورهای ثالث را دنبال نمود تا (۱) روابط چندبُعدی و متوازن ایجاد کرد؛ (۲) وابستگی را از حالت نامتقارن به سمت متقارن سوق داد؛ (۳) تعاملات نهادی، عمومی و شفاف شود، نه صرفاً فردی یا امنیتی؛ (۴) ساختارهای جدیدی برای بازدارندگی در برابر تخریب رابطه از سوی کشورهای ثالث ایجاد شود. در این صورت اعتماد طرف عراقی بیشتر جلب می‌شود و همکاری بیشتر و گسترده تری در همه حوزه‌ها رخ خواهد داد و آسیب‌پذیری روابط دوجانبه بسیار کاهش می‌یابد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تبیینی و با شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، مقالات مندرج در مجلات تخصصی و سایت‌های معتبر اینترنتی نگاشته شده است.

• واژگان کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، عراق، سیاست خارجی، نظریه وابستگی متقابل، روابط دوجانبه.

۱. مقدمه

ایران و عراق در میان همسایگان خود، طولانی‌ترین مرز مشترک را با یکدیگر دارند که حدود ۱۴۵۰ کیلومتر است (خبرآنلاین، ۱۳۹۲). در حال حاضر، رتبه نخست گردشگران ورودی به ایران و نیز دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در کشورمان (مشرق نیوز، ۱۴۰۱)، متعلق به اتباع عراقی است (اکوایران، ۱۴۰۳). عراق در سال ۱۴۰۳ با حجم روابط تجاری بیش از ۱۲ میلیارد دلار، دومین مقصد صادراتی کشورمان بوده و بیش از ۲۰ درصد از کل صادرات جمهوری اسلامی ایران به این کشور بوده است (فرارو، ۱۴۰۳).

روابط دوجانبه بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق طی دو دهه گذشته از یک الگوی صرفاً امنیت‌محور خارج شده و به تدریج به سمت تعاملات چندبُعدی حرکت کرده است. این روابط همچنان دارای ظرفیت‌های گسترده‌ای برای تعمیق روابط در سطح دوجانبه و چندجانبه در زمینه‌های مختلف است. علاوه بر این، روابط دو کشور با آسیب‌های درون زاد و تهدیداتی از سوی طرف ثالث مواجه است.

مفروضات واقع‌گرایان سیاسی - که نظریه‌هایشان پس از جنگ جهانی دوم بر تحلیل‌های سیاست جهانی مسلط بود - اغلب در تحلیل سیاست‌های مبتنی بر وابستگی متقابل، ناتوانند. سه فرض اساسی در رویکرد واقع‌گرایانه عبارت است از: (۱) دولت‌ها، به‌مثابه واحدهایی منسجم، بازیگران اصلی سیاست جهانی هستند. دولت‌ها بر دیگر کنشگران مسلط هستند؛ و خودشان به شکل واحدهایی منسجم عمل می‌کنند. (۲) قدرت، ابزاری مؤثر و قابل استفاده در سیاست است. هرچند ابزارهای دیگر نیز می‌توانند به کار گرفته شوند، اما به‌کارگیری یا تهدید به استفاده از قدرت، مؤثرترین راه برای اعمال قدرت محسوب می‌شود. (۳) در سیاست جهانی، سلسله‌مراتبی از مسائل وجود دارد که امنیت نظامی در رأس آن قرار دارد. بدین معنا که «سیاست علیا»^۱ امنیت نظامی بر «سیاست سفلی»^۲ همچون مسائل اقتصادی و اجتماعی چیره است. در مقابل این نظریه، رویکرد «وابستگی متقابل پیچیده» وجود دارد که معتقد است: (۱) بازیگران غیردولتی نیز در سیاست جهانی نقش دارند؛ (۲) سلسله‌مراتبی روشن در میان مسائل وجود ندارد؛ (۳) سیاست قدرت، ابزار مؤثری در سیاست بین‌الملل محسوب نمی‌شود (Keohane and Nye, 2012).

^۱. High Politics

^۲. Low Politics

برخی از پژوهشگران بر این باورند که نظریه‌هایی مانند وابستگی متقابل، در منطقه غرب آسیا چندان کاربردی ندارند و همچنان، سیاست قدرت بهترین چارچوب تبیین روابط کشورها در این منطقه محسوب می‌شود. واقع‌گرایان بر این باورند که در شرایط بحرانی، منافع امنیتی دولت‌ها آن قدر مهم هستند که ابزار قدرت سخت (نظامی و امنیتی) همچنان تعیین‌کننده است (Mearsheimer, 1994; Waltz, 1979)؛ اما نظریه وابستگی متقابل پیچیده مدعی نیست که قدرت سخت در روابط ناپدید می‌شود، بلکه نشان می‌دهد که اتکای صرف به آن پرهزینه، پریسک و ناکارآمد شده است، به‌ویژه در جوامعی که وابستگی متقابل اقتصادی و نهادی بالاست (Keohane & Nye, 2012). حتی در شرایط امنیتی، ابزارهای دیپلماتیک، حقوقی، رسانه‌ای و اقتصادی، اغلب جایگزین مؤثرتری برای اعمال زور مستقیم محسوب می‌شوند (Axelrod & Keohane, 1985).

نقد دیگری که به نظریه مزبور وارد می‌شود، نادیده گرفتن انگیزه‌های ایدئولوژیک و هویتی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است. در بسیاری از مناطق به‌ویژه غرب آسیا، دسته‌بندی‌های فرقه‌ای، مذهبی یا قومی تأثیر قابل توجهی بر سایر ملاحظات دارند (Katzenstein, 1996). پاسخ نظریه این است که وابستگی متقابل، تنها میان دولت‌ها نیست، بلکه میان شبکه‌های مذهبی، فرهنگی، دانشگاهی، رسانه‌ای و فراملی نیز برقرار است (Keohane & Nye, 2012). بنابراین، ایدئولوژی نیز بخشی از ساختار «مجاری چندگانه» در سیاست جهانی است و می‌توان از ابزارهای فرهنگی، رسانه‌ای و هویتی برای مدیریت یا مهار تنش‌های ایدئولوژیک استفاده کرد.

منتقدان دیگری مانند والتز و لیک تأکید دارند که رقابت‌های منطقه‌ای (به‌ویژه میان قدرت‌های بزرگ)، بازی با «حاصل جمع صفر»^۱ است و با منطق همزیستی نظریه وابستگی متقابل در تضاد هستند (Waltz, 1979; Lake, 2009). در مقابل، کوهن و نای تأکید می‌کنند که اگر دولت‌ها حوزه‌های همکاری را متنوع کنند (مانند انرژی، محیط زیست، آموزش)، وابستگی در این حوزه‌ها می‌تواند مانع از قطع کامل رابطه حتی در شرایط رقابت شدید شود (Keohane & Nye, 2012). همچنین استفاده از «پیونددهی موضوعی»^۲ به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا در یک حوزه امتیاز دهند، ولی در حوزه دیگر امتیاز بگیرند؛ راهبردی که هزینه رقابت را کاهش می‌دهد و هم‌زمان مانع قطع ارتباط کامل می‌شود (Oye, 1986).

^۱. Zero-sum game

^۲. Issue Linkage

نظریه «وابستگی متقابل پیچیده» نه انکارکننده قدرت سخت است، نه ساده‌انگار درباره هویت و نه غافل از رقابت‌های منطقه‌ای. این نظریه می‌پذیرد که در دنیای واقعی، انگیزه‌ها و تهدیدها چندگانه‌اند، اما تأکید می‌کند که با گسترش نهادها، تنوع حوزه‌های همکاری، و تقویت روابط فراملی، می‌توان فضای تعامل بین دولت‌ها را از سلطه کامل زور، ایدئولوژی یا رقابت خالص خارج کرد (Keohane & Nye, 2012; Acharya, 2014; Risse, 2010).

در این مقاله در ابتدا، روابط دوجانبه بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق با بهره‌گیری از نظریه وابستگی متقابل پیچیده تبیین و سپس برای عبور از وضعیت کنونی و دستیابی به یک روابط پایدار، متوازن و بادوام پیشنهادهایی مطرح می‌گردد.

۱.۱. پیشینه پژوهش

پس از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ میلادی، ادبیات تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق به سرعت متنوع شد و پژوهش‌های متعددی از منظرهای گوناگون (امنیتی، نهادی، اجتماعی و مرزی) این روابط را مورد مطالعه قرار دادند. این پژوهش‌ها، مجموعاً ترکیبی از شواهد و برداشت‌ها را در اختیار می‌گذارند، اما هر کدام به نحوی ناقص محسوب می‌شوند؛ در نتیجه ضرورت چارچوبی که روابط در هم تنیده و متقابل در سطح رسمی و غیردولتی را توضیح دهد، برجسته می‌شود.

مهم‌ترین تحلیل امنیتی این حوزه را می‌توان در مقاله «سیاست خارجی ایران در دوره پساحمله به عراق»^۱ به قلم برزگر (۲۰۰۸) مشاهده کرد؛ برزگر، سیاست تهران را عمدتاً دفاعی و عمل‌گرایانه می‌داند و ورود فعال ایران به صحنه عراق پساصدام را عمدتاً پاسخی به تغییر توازن امنیتی و حضور آمریکا تبیین می‌کند. این دیدگاه قوی در تبیین «چرایی» واکنش‌های نظامی - امنیتی تهران است و برای درک فازهای بحران و اقدامات موقت نظامی بسیار کارا است؛ اما از منظر وابستگی متقابل پیچیده، کاستی روشن آن در کم‌اهمیت دانستن نسبی مسیرهای اقتصادی، فرهنگی و شبکه‌های غیردولتی است؛ یعنی در این مقاله، سازوکارهایی را که از طریق آن‌ها نفوذ بلندمدت و متقابل تولید می‌شود، به‌صورت کامل نشان داده نمی‌شود.

تحلیل‌های تاریخی و چندسطحی جامع‌تر را می‌توان در مقاله آهویی و تفاق (۲۰۲۴) با عنوان «یک دوستی دشوار: عناصر تداوم و تغییر در روابط ایران - عراق در دوره پساصدام»^۲

^۱ Iran's Foreign Policy in Post-invasion Iraq

^۲ A Difficult Friendship: Elements of Continuity and Change in Iran-Iraq Relations in Post-Saddam Era

یافت. این مطالعه با ترکیب نظریات روزناو، بوزان و والتز، روند سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲ میلادی را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که روابط تهران - بغداد در دوره‌های مختلف نه تنها تحت تأثیر ساختار بین‌المللی، بلکه متأثر از پویایی‌های داخلی عراق (شامل تغییر نخبگان و رقابت‌های درون‌شیعی) نیز بوده است. نقطه قوت این مقاله در تأمین یک چشم‌انداز چندسطحی منسجم است. اگرچه در این مقاله، سطوح را از یکدیگر متمایز می‌کند، اما پیوند روشنی میان مسیرهای فراملی (مثلاً زیارت و تجارت غیررسمی) و سیاست رسمی ارائه نمی‌کند و بنابراین برای تبدیل یافته‌ها به شاخص‌های مشخص، از جمله «حساسیت» و «آسیب‌پذیری» در چارچوب وابستگی متقابل نیاز به توسعه روش‌شناختی وجود دارد.

در قلمرو مطالعات اجتماعی - مذهبی، ساری (۲۰۲۱) در مقاله «سیاست جدید ایران در قبال عراق پس از صدام: از پویایی‌های جامعه‌شناسانه تا واقعیت‌های سیاسی»^۱ اثر ارزشمندی نگاشته است. ساری، با دقت جریان‌های شیعی (صدری‌ها، حکیم، حزب الدعوه) و نقش زیارت، مرجعیت و نهادهای محلی را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد بسیاری از سازوکارهای نفوذ ایران، ریشه در پیوندهای اجتماعی و مذهبی دارد. این نوع تحلیل برای مدل وابستگی متقابل حیاتی است، چرا که مسیرهای هویتی و فرهنگی را به‌مثابه تقویت‌کننده و یا تضعیف‌کننده سیاست رسمی روشن می‌سازد. با این حال، این مقاله نیز در سطحی عمدتاً توصیفی می‌ماند و کمتر به این می‌پردازد که چگونه همین شبکه‌های اجتماعی به صورت کمی یا مقیاس‌پذیر «وابستگی» ایجاد می‌کنند یا چگونه دولت‌ها می‌توانند این وابستگی‌ها را نهادمند کنند.

نگاهی ویژه به مرزها و تعاملات محلی را آثار مرتبط با مفهوم «مرز نرم» ارائه داده‌اند؛ به‌طور مشخص، پورحسن و خوشناموند (۱۳۹۸) در مقاله «شکل‌گیری مرز نرم ایران و عراق پس از صدام» نشان می‌دهند مرزهایی مانند مهران مناطقی هستند که تجارت غیررسمی، روابط قبیل‌ای و مسیرهای شبه‌نظامی به‌مثابه شبکه‌هایی عمل می‌کنند که کنترل دولت‌ها را تضعیف و در عین حال وابستگی‌های دوطرفه ایجاد می‌کنند. این مقاله، بیانگر این نکته برجسته است که وابستگی فراملی صرفاً در سطوح رسمی تولید نمی‌شود؛ اما این مقاله نیز عمدتاً تأثیرات روابط غیررسمی بر سیاست خارجی دو کشور را بر مبنای چارچوب نظری کم‌رنگ انگاشته است.

¹ Iran's New Iraq Policy After Saddam: From Sociological Dynamics to Political Realities

مطالعاتی که نقش ابزارهای غیردولتی و فرهنگی را برجسته کرده‌اند، مانند مقاله مرادی و سهرابیان (۱۴۰۱) با عنوان «دیپلماسی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید»، نشان می‌دهد ایران با استفاده از زیارت‌های دینی، شبکه‌های آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی توانسته پذیرش اجتماعی خود را در برخی مناطق افزایش دهد و نفوذ غیرمستقیم پایدار ایجاد کند. این اقدامات نشان می‌دهد که «قدرت نرم» و «پیوند فرهنگی» چگونه به‌عنوان مکمل ابزارهای رسمی و امنیتی عمل می‌کنند؛ اما مسئله کلیدی که به‌واسطه نظریه وابستگی متقابل باید روشن شود این است که تأثیرات این مسیرهای نرم چگونه به ساختارهای نهادی و تصمیم‌گیری رسمی بازمی‌گردند و در کدام شرایط موجب افزایش حساسیت یا کاهش آسیب‌پذیری در روابط طرفین می‌شود.

منتی و هادیان (۱۳۹۸) در مقاله «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از منظر موازنه تهدید» توضیح می‌دهند که حضور آمریکا و تهدیدهای افراطیون سنی (مانند داعش) چگونه تهران را به حمایت فعال از بازیگران شیعی و تجهیز شبکه‌های امنیتی واداشت. این دیدگاه در تحلیل فازهای بحران کارآمد است؛ اما در عدم توجه همزمان به مسیرهای اقتصادی و فرهنگی، و تصویر بزرگ روابط ایران و عراق ناقص محسوب می‌شود.

در نهایت، مقالاتی که محورهای ترکیبی دارند، از جمله درویشی و وطن‌خواه (۲۰۱۷) در «مطالعات سیاست جمهوری اسلامی در قبال عراق جدید»^۱ به درستی بر هم‌پوشانی امنیت، ایدئولوژی و اقتصاد تأکید می‌کنند و نزدیک‌ترین مبنا را برای پذیرش چارچوب وابستگی متقابل فراهم می‌آورند؛ اما اغلب این کارها در سطح توصیفی باقی می‌مانند و فاقد مدل مفهومی مشخص و شاخص‌های عملیاتی‌اند که امکان آزمون‌پذیری ادعاها را فراهم کند.

در نتیجه بررسی پیشینه ادبیات می‌توان گفت هر یک از این آثار بخشی از پازل روابط ایران و عراق را روشن کرده‌اند؛ اما هیچ‌یک به‌تنهایی ابعاد متنوع روابط و تأثیر آن بر سیاست خارجی دو کشور را تبیین نظری نکرده‌اند. با توجه به سؤال پژوهش مبنی بر این که روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق چگونه می‌تواند در برابر آسیب‌های درون زاد و تهدیدات طرف ثالث مقاوم گردد؟ فرضیه مقاله مبتنی بر نظریه وابستگی متقابل تبیین می‌گردد.

¹. A Study of the Islamic Republic of Iran's Policy Toward New Iraq

۱.۲. روش شناسی

روش شناسی مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی و تبیینی و مبتنی بر مطالعه موردی است. برای تحلیل و تبیین موضوع پژوهش (روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق)، روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، استفاده از اسناد مکتوب، کتاب‌های ارزشمند و مجلات تخصصی در این زمینه و همچنین، منابع اینترنتی معتبر بوده است.

۲. مبانی نظری

رابرت کوهن و جوزف نای^۱ در تلاش برای بازنگری در نظریه‌های سنتی واقع‌گرایانه روابط بین‌الملل، به جای تمرکز صرف بر قدرت نظامی و منافع امنیتی، در بستر تعاملات چندبعدی اقتصادی، نهادی و اجتماعی، نظریه «وابستگی متقابل پیچیده»^۲ را در کتابی با عنوان «قدرت و وابستگی متقابل»^۳ (۱۹۷۷) ارائه کردند. وابستگی متقابل پیچیده، نظریه‌ای است که بر روش‌های پیچیده‌ای تأکید دارد که در نتیجه رشد روابط، کنشگران فراملی به شکل متقابل به هم وابسته، نسبت به اقدامات یکدیگر آسیب‌پذیر و به نیازهای هم حساس می‌شوند (محمدنیا و سیفی، ۱۴۰۱: ۲۰۸). گنست نیز وابستگی متقابل پیچیده را این گونه تعریف می‌کند: «مفهوم فراملی‌گرایی اقتصادی که در آن دولت‌ها تنها کنشگران نیستند و مسائل رفاه اجتماعی در کنار مسائل امنیتی در مرکز دستورکار جهانی قرار دارند و همکاری نیز مانند منازعه، ویژگی برجسته سیاست جهانی در نظر گرفته می‌شود» (Genest, 1996: 140). مفروضات بنیادین نظریه وابستگی متقابل پیچیده عبارتند از: الف) نقش محدود نیروی نظامی^۴ در تنظیم روابط؛ ب) وجود مسیرهای متعدد ارتباطی^۵ میان کشورها (دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌ها، نهادها و افراد)؛ ج) نبود سلسله مراتب مشخص میان مسائل^۶ از جمله موضوعات اقتصادی، زیست محیطی، امنیتی و سیاسی (Keohane and Nye, 2012).

نظریه وابستگی متقابل، با سه مفهوم کلیدی، روابط میان کشورها را تبیین می‌کند. این مفاهیم به شرح ذیل است:

1. Robert Keohane and Joseph Nye

2. Complex Interdependence

3. Power and Interdependence

4. Decline of Military Use

5. Multiple Channels

6. Absence of Hierarchy among Issues

- حساسیت^۱: میزان تأثیرپذیری یک کشور از تغییرات سیاست یا شرایط دیگر کشورها. هرچه حساسیت بیشتر باشد، هزینه واکنش به تغییرات بیشتر می‌شود.
 - آسیب‌پذیری^۲: توانایی یک کشور در پاسخ‌گویی و سازگاری با اختلالات ناشی از وابستگی. کشوری که توان کمتری برای جایگزینی منابع یا مسیرهای ارتباطی دارد، آسیب‌پذیرتر است.
 - وابستگی نامتقارن^۳: زمانی که یک کشور در برابر کشور دیگر وابستگی بیشتری دارد. در این حالت، کشور با وابستگی کمتر قدرت چانه‌زنی بیشتری دارد.
- در شرایط وابستگی متقابل پیچیده، اهداف بسته به حوزه موضوعی مختلف خواهند بود؛ اما توزیع قدرت و فرآیندهای سیاسی نیز به همان نسبت متفاوت خواهد شد. مهم‌ترین فرآیندهای سیاسی مبتنی بر مفروضات سه‌گانه در نظریه وابستگی متقابل به این شرح است:
- (۱) استراتژی‌های پیوندهای^۴: بر اساس رویکردهای سنتی، دولت‌های قدرتمند، سیاست‌های خود را در یک حوزه با سیاست‌های سایر کشورها در حوزه‌های دیگر پیوند می‌دهند؛ و با استفاده از سلطه کلی خود، در حوزه‌هایی که ضعیف‌تر هستند نیز دست بالا را پیدا می‌کنند. در شرایط وابستگی متقابل پیچیده (کاهش نقش قدرت نظامی و اهمیت برابر مسائل مختلف)، تمایز میان حوزه‌ها پیوندهای میان مسائل را دشوارتر کرده و توزیع قدرت در هر حوزه موضوعی به تنهایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در این وضعیت، دولت‌های قدرتمند، دیگر نمی‌توانند از سلطه کلی خود برای کنترل نتایج حوزه‌هایی که در آن‌ها ضعیف‌ترند، استفاده کنند. دولت‌های قدرتمند تمایل دارند از پیوندهای استفاده کنند، اما در نبود یک سلسله‌مراتب مشخص از مسائل، موفقیت آن‌ها نامطمئن خواهد بود. در مقابل، کشورهای فقیر و ضعیف با چنین محدودیت‌هایی روبرو نیستند. آن‌ها اغلب پیوندهای مسائل نامرتبط را به‌عنوان راهی برای گرفتن امتیاز یا دریافت «پرداخت جانبی»^۵ از کشورهای قدرتمند به کار می‌گیرند. برخلاف این دولت‌ها که ابزار اصلی پیوندهای شان (نیروی نظامی) پرهزینه و مشکل‌ساز است، ابزار اصلی کشورهای ضعیف برای پیوندهای - یعنی سازمان‌های بین‌المللی - ارزان و در دسترس است (Keohane and Nye, 2012: 25).

1. Sensitivity

2. Vulnerability

3. Asymmetrical Interdependence

4. Linkage Strategies

5. Side Payments

بنابراین، با کاهش سودمندی قدرت و برابر شدن اهمیت مسائل مختلف، توزیع قدرت در هر حوزه موضوعی به تنهایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگر پیونددهی به‌طور کلی ناکارآمدتر شود، نتایج چانه‌زنی‌های سیاسی بیشتر به تناسب حوزه‌ی موضوعی متفاوت خواهد بود. این تمایز میان حوزه‌ها در شرایط وابستگی متقابل پیچیده، پیونددهی میان مسائل را دشوارتر کرده و به جای تقویت سلسله‌مراتب جهانی، موجب تضعیف آن می‌شود. این واقعیت که سیاست جهانی در شرایط وابستگی متقابل پیچیده دیگر همچون یک «شبکه بدون درز» عمل نمی‌کند، ما را به این انتظار می‌رساند که تلاش‌ها برای ایجاد پیوندهای سودمند میان حوزه‌های مختلف - که در قالب «استراتژی‌های پیونددهی» دیده می‌شود - اغلب شکل نهایی این بافت را تعیین خواهد کرد. نقش ناچیز زور در این شرایط، باعث می‌شود دولت‌ها بیش از پیش به ابزارهای دیگر برای اعمال قدرت متوسل شوند. همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، دولت‌هایی که آسیب‌پذیری کمتری دارند، تلاش خواهند کرد تا از وابستگی نامتقارن در گروه خاصی از مسائل به‌عنوان منبعی برای قدرت استفاده کنند؛ آن‌ها همچنین خواهند کوشید از سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران فراملی و جریان‌های میان‌مرزی بهره‌برداری کنند (Keohane and Nye, 2012: 25).

دولت‌ها در مواجهه با وابستگی اقتصادی، آن را نه فقط از حیث تأثیر آن بر رفاه شهروندان، بلکه از منظر قدرت نیز تحلیل می‌کنند؛ هرچند ملاحظات مربوط به رفاه، تلاش‌های آن‌ها برای به‌حداکثر رساندن قدرت را محدود می‌کند. بیشتر اشکال وابستگی متقابل اقتصادی و زیست‌محیطی، دارای امکان «سود یا زیان مشترک» هستند. آگاهی متقابل از امکان سود و زیان جمعی، و همچنین خطر بدتر شدن موقعیت هر بازیگر از طریق رقابت‌های شدید بر سر توزیع منافع، می‌تواند استفاده از وابستگی نامتقارن را محدود سازد (Keohane and Nye, 2012: 26).

۲) تعیین دستور کار! فقدان سلسله‌مراتب روشن میان مسائل گوناگون، منجر به اهمیت بیشتر «سیاست‌گذاری در تعیین و کنترل دستور کار» خواهد شد. امروزه برخی مسائل غیرنظامی در روابط بین‌دولتی برجسته می‌گردند، در حالی که برخی دیگر - که از نظر اهمیت تفاوت چندانی ندارند - مورد غفلت قرار گرفته یا به‌صورت بی‌سروصدا و در سطوح فنی مدیریت می‌شوند. با افزایش پیچیدگی بازیگران و مسائل در سیاست جهانی، و با کاهش سودمندی قدرت نظامی، مرز میان سیاست داخلی و سیاست خارجی نیز محو می‌شود. هرچه شرایط

¹. Agenda Setting

وابستگی متقابل پیچیده بیشتر تحقق یابد، سیاست‌گذاری در تعیین دستور کار نیز ظریف‌تر و چندلایه‌تر خواهد شد. در این شرایط، انتظار می‌رود دستور کارها تحت تأثیر مشکلات بین‌المللی و داخلی ناشی از رشد اقتصادی و یا افزایش «حساسیت متقابل» قرار گیرند. دستور کار یک حوزه ممکن است در اثر پیوندهایی که از حوزه‌های دیگر ناشی می‌شود، تغییر کند (Keohane and Nye, 2012: 26).

فقدان سلسله‌مراتب روشن میان مسائل گوناگون، ما را به این پیش‌بینی می‌رساند که «سیاست‌گذاری در تعیین و کنترل دستور کار» اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. امروزه برخی مسائل غیرنظامی در روابط بین‌دولتی برجسته می‌شوند، در حالی که برخی دیگر - که از نظر اهمیت تفاوت چندانی ندارند - مورد غفلت قرار گرفته یا به صورت بی‌سروصدا و در سطوح فنی مدیریت می‌شوند. جهت‌گیری سنتی به سوی امور نظامی و امنیتی، این فرض را دربردارد که «سیاست‌علیا» هستند که در برابر «سیاست سفلی» حوزه‌های اقتصادی قرار دارند. با افزایش پیچیدگی بازیگران و مسائل در سیاست جهانی، و با کاهش سودمندی زور، مرز میان سیاست داخلی و سیاست خارجی نیز محو می‌شود. هرچه شرایط وابستگی متقابل پیچیده بیشتر تحقق یابد، سیاست‌گذاری در تعیین دستور کار نیز ظریف‌تر و چندلایه‌تر خواهد شد. در این شرایط، انتظار می‌رود دستور کارها تحت تأثیر مشکلات بین‌المللی و داخلی ناشی از رشد اقتصادی و افزایش حساسیت متقابل قرار گیرند. دستور کار یک حوزه ممکن است در اثر پیوندهایی که از حوزه‌های دیگر ناشی می‌شوند تغییر کند (Keohane and Nye, 2012: 27).

با توجه به نقش مهم تعیین دستور کار، مفهوم دیگری نیز در همین رابطه اهمیت می‌یابد: سیاسی‌سازی^۱ - یعنی ایجاد جنجال و بحث پیرامون موضوعی که تمایل دارد آن موضوع را در صدر دستور کار قرار دهد - می‌تواند از منابع مختلف ناشی شود. دولت‌هایی که قدرتشان در حال افزایش است ممکن است با ربط دادن مسائل به یکدیگر، آن‌ها را سیاسی کنند. همچنین، یک رژیم بین‌المللی که کارایی خود را از دست داده یا در حل مسائل مهم ناکارآمد است، ممکن است باعث افزایش سیاسی‌شدن مسائل شود، چرا که دولت‌های ناراضی خواهان تغییر می‌شوند. از سوی دیگر، سیاسی‌سازی می‌تواند از پایین نیز نشأت گیرد. گروه‌های داخلی ممکن است به قدری ناراضی شوند که مسأله کم‌اهمیت شمرده شده را وارد چانه‌زنی‌های سطح بالا بین دولت‌ها کنند.

^۱. Politicization

خصوصیات فنی و زمینه نهادی که در آن مسائل مطرح می‌شوند، الگوهای سیاسی سازی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سطح بین‌المللی نیز دولت‌ها و بازیگران غیردولتی تلاش می‌کنند تا موضوعات را در سازمان‌های بین‌المللی به گونه‌ای مطرح کنند که با گسترش یا محدود کردن دستور کار، منافع آن‌ها را به حداکثر برسانند (Keohane and Nye, 2012: 27).

۳) روابط فراملی و بین‌دولتی^۱: وجود مسیرهای متعدد ارتباطی میان جوامع، تمایز میان سیاست داخلی و بین‌المللی را بیش از پیش مبهم می‌کند. دسترسی به شرکای احتمالی در ائتلاف‌های سیاسی لزوماً همانند آنچه تحلیل‌های سنتی فرض می‌کنند، محدود به مرزهای ملی نخواهد بود. هرچه یک وضعیت به شرایط وابستگی متقابل پیچیده نزدیک‌تر باشد، انتظار می‌رود نتایج چانه‌زنی‌های سیاسی بیشتر تحت تأثیر روابط فراملی قرار گیرند. مسیرهای متعدد ارتباطی که در وابستگی متقابل پیچیده یافت می‌شوند، محدود به بازیگران غیردولتی نیستند. تماس‌ها و تعاملات بین بوروکراسی‌های دولتی که مأموریت‌های مشابهی دارند، نه تنها دیدگاه‌های آن‌ها را تغییر می‌دهد، بلکه می‌تواند به تشکیل ائتلاف‌های بین‌دولتی پیرامون مسائل سیاستی خاص منجر شود (Keohane and Nye, 2012: 28).

۳. تحلیل روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و عراق

روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق به ویژه طی دو دهه اخیر به الگویی از تعاملات پیچیده، چندبُعدی و درهم‌تنیده تبدیل شده است. این روابط را می‌توان در چارچوب نظریه وابستگی متقابل پیچیده تحلیل کرد؛ تحلیل روابط در سه بخش مفروضات نظری در روابط دوجانبه، حساسیت و آسیب‌پذیری و فرایندهای سیاسی روابط دو کشور تشریح می‌گردد.

۳.۱. مفروضات نظریه وابستگی متقابل در روابط ایران و عراق

مجموعه‌ای از مسیرهای ارتباطی متنوع میان دو کشور فعال است؛ همچنین، موضوعات مختلف (امنیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی) بدون سلسله‌مراتب خاص در هم تنیده‌اند؛ و نهایتاً نقش استفاده از نیروی نظامی در مقایسه با سایر ابزارهای تعامل کم‌رنگ‌تر شده است.

^۱. Transnational and Transgovernmental Relations

۳.۱.۱. بُعد اول: نقش محدود ابزار نظامی

- کنترل تنش‌ها از طریق ابزارهای غیرنظامی: جمهوری اسلامی ایران در روابط خود با دولت عراق معمولاً از قدرت نظامی مستقیم استفاده نمی‌کند، بلکه با استفاده از شبکه گروه‌های ذینفوذ و گفتگوهای رسمی و غیررسمی تنش‌های احتمالی را حل و فصل می‌کند (Van Veen, 7: 2020). دولت عراق نیز از ابزارهای سیاسی (به ویژه بازیگران خارجی)، اعمال کنترل اقتصادی، و چانه‌زنی برای پیشبرد مسائل مورد نظرش استفاده می‌کند.

- استفاده از زور به عنوان آخرین راهکار: موارد محدودی از حملات موشکی جمهوری اسلامی ایران علیه اهدافی در اقلیم کردستان یا پایگاه عین الاسد، علیه طرف ثالث (آمریکا و رژیم صهیونیستی) یا گروه‌های تروریستی بوده است (سیمبر، فاضلی، و رضاپور، ۱۴۰۲) که پس از طی کردن فرایندهای سیاسی گسترده، و پس از هماهنگی نسبی انجام شده است. گفتنی است تنش‌های مرزی عمدتاً بر اساس معاهدات حقوقی، از طریق نیروی انتظامی و کلانتران مرزی، یادداشت‌های حقوقی و یا گفتگوهای فنی پیگیری شده است. لازم به ذکر است در بحث کمک به مقابله با داعش، نیز در چارچوب دفاع مشترک و با هماهنگی با دولت مرکزی انجام شده است (تین نیوز، ۱۳۹۴/۹/۲۱).

به نظر می‌رسد روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق در قالب وابستگی متقابل، بیشتر مبتنی بر تعامل نرم است و استفاده از قدرت نظامی به شدت محدود شده است. این با پیش‌فرض اصلی نظریه مطابقت دارد که می‌گوید: هرچه وابستگی بیشتر، احتمال استفاده از قدرت نظامی کمتر.

۳.۱.۲. بُعد دوم: مسیرهای متعدد ارتباطی

در روابط دوجانبه میان جمهوری اسلامی ایران و عراق، شاهد مسیرهای متعدد ارتباطی به شرح ذیل هستیم:

- روابط بین‌دولتی، فعالیت نمایندگی‌های دیپلماتیک در پایتخت و سایر شهرهای دو کشور، همکاری در سطح وزارتخانه‌ها (خارج، نفت، برق، کشور، دفاع، راه و شهرسازی)، امضای یادداشت تفاهم‌های همکاری و توافقات در پروژه‌های زیربنایی، انرژی، امنیت مرزی، تبادلات فرهنگی و دانشگاهی و همچنین، ارتباطات بین‌نهادی مانند نیروهای مرزبانی، اتاق‌های بازرگانی مشترک، سازمان‌های مربوط به گردشگری مذهبی، و همچنین، همکاری‌های امنیتی و نظامی بین دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی دو کشور را شامل می‌شود.

- روابط فراملی که در حوزه‌های مختلف دیده می‌شود از جمله حضور میلیون‌ها زائر ایرانی و عراقی در مراسم اربعین (فرجی و مرادی، ۱۴۰۰: ۱۸)، زیارت شهروندان دو کشور از عتبات عالیات عراق و شهرهای زیارتی ایران، افزایش حضور شهروندان عراقی در اماکن گردشگری، روابط گسترده علمی و فرهنگی دانشگاهی و حوزوی، تحصیل ده‌ها هزار دانشجوی عراقی در دانشگاه‌های ایرانی، فعالیت شرکت‌های ایرانی در پروژه‌های زیرساختی، انرژی و بهداشت عراق، صادرات غیررسمی یا بازارچه‌های مرزی توسط فعالان اقتصادی غیردولتی.

روابط چند سطحی مورد اشاره ایران و عراق نمونه‌ای روشن از وضعیت «ارتباطات چندلایه» است که نظریه وابستگی متقابل پیچیده، بر آن تأکید کرده است؛ جایی که تعامل تنها محدود به دیپلماسی رسمی نیست، بلکه بازیگران متعدد دولتی و غیردولتی در سطوح مختلف فعالیت می‌کنند. فعالیت‌هایی که پیامدهای مشخص و قابل توجهی بر سیاست خارجی دو کشور در قبال یکدیگر داشته است.

۳.۱.۳. بُعد سوم: نبود سلسله‌مراتب موضوعی

ابعاد و حوزه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران و عراق گسترده و متنوع محسوب می‌شود. برای روشن شدن مسأله نبود سلسله‌مراتب موضوعی، شش موضوع کلیدی در روابط دو جانبه تشریح می‌گردد.

- امنیتی: یکی از عوامل مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، حفظ امنیت و ثبات عراق است. به همین منظور، ایران برای جلوگیری از نفوذ داعش، حفظ امنیت مرزها، و کاهش تهدیدات گروه‌های تروریستی در شمال عراق، و همچنین، تحرکات رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، با عراق همکاری‌های گسترده امنیتی دارد. عراق نیز به همکاری با جمهوری اسلامی ایران برای تقویت امنیت داخلی، آموزش نیروها، و مقابله با گروه‌های تروریستی نیاز دارد.

- اقتصادی: ارزش روابط تجاری سالانه ایران و عراق، به حدود ۱۲ میلیارد رسیده است (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۳/۱/۱۹) که موجب شده که عراق به یکی از متنوع‌ترین مقاصد صادراتی ایران تبدیل شده است. گفتنی است مقصد بیش از ۲۰ درصد مجموع صادرات ایران، عراق می‌باشد؛ علاوه بر این، ایران یکی از تأمین‌کننده‌های مهم برق و گاز عراق است. عراق بازار بزرگ صادراتی ایران است و در نتیجه بخشی از درآمدهای ارزی ایران به فروش محصولات خود به عراق وابسته است.

- زیرساخت‌های مواصلاتی: زیرساخت‌های مواصلاتی نقش کلیدی در تعمیق وابستگی متقابل دارند، زیرا ارتباط فیزیکی پایدار، وابستگی اقتصادی، فرهنگی و امنیتی را عملیاتی می‌سازد. پیگیری

ایران برای نهایی کردن پروژه ساخت خط راه‌آهن شلمچه - بصره، خط جاده‌ای و ریلی خسروی - منذریه در کنار درخواست عراق برای مشارکت ایران در کلان پروژه «مسیر توسعه»، از جمله موضوعاتی است که در دستور کارهای مهم روابط ایران و عراق قرار دارد.

- محیط زیستی و منابع مشترک: موضوعات مربوط به گرد و غبار، کم آبی و خشکسالی و همچنین، رودخانه‌های مرزی، از جمله یکی از مهم‌ترین موضوعات در روابط دوجانبه محسوب می‌شود که گهگاه موجب اختلاف نظر سیاسی و تنش رسانه‌ای بین دو کشور می‌شود. نظر به توجه بیش از پیش افکار عمومی هر دو کشور نسبت به بحران کم‌آبی، تنظیم روابط دوجانبه در این حوزه، مأموریت ظریف و پرچالشی به نظر می‌رسد.

- مذهبی و فرهنگی: پیوندهای مذهبی در قالب مرجعیت شیعی در قم و نجف، ارتباطات حوزه‌های علمیه، و نفوذ فرهنگی متقابل در شهرهای نجف، کربلا، قم و مشهد از جمله ظرفیت‌های فرهنگی مشترک محسوب می‌شود. حضور زائرین ایرانی در مناسبت‌هایی مانند اربعین و محرم، نقش نمادین و سازمان‌دهنده تعاملات فرهنگی دارد. همچنین، سفر شهروندان عراقی به ایران در قالب «گردشگری سلامت» در همین راستا قابل ارزیابی است (محمودیان، ۱۴۰۳).

- همکاری‌های منطقه‌ای: در پرونده سیاسی، عراق نقش واسطه و تسهیل‌گر میان جمهوری اسلامی ایران و برخی از کشورهای عربی ایفا کرده است. در پرونده امنیتی، همکاری‌های چندجانبه با کشورهای همسایه برای مقابله با تروریسم مشاهده می‌شود. در این بُعد، نظریه وابستگی متقابل، کشورها را به جای رقابت نظامی، به سمت همبستگی نهادی، همسویی اقتصادی، و همکاری در مدیریت تهدیدهای مشترک سوق می‌دهد.

هیچ کدام از موضوعات مورد اشاره لزوماً بر موضوع دیگر برتری ندارد و اولویت بخشیدن به هر موضوعی به هزینه موضوع دیگر، نقشه راه روابط دوجانبه را دچار اختلال می‌کند. هر کدام از این مسائل، در شرایط خاص زمانی ممکن است مناسبات دوجانبه را تحت تأثیر قرار دهد. مسأله‌ای که دقیقاً منطبق بر الگوی «عدم اولویت موضوعی» است.

۳.۲. حساسیت و آسیب‌پذیری در روابط ایران و عراق

بر اساس مفاهیم کلیدی نظریه وابستگی متقابل، حساسیت و آسیب‌پذیری تعیین‌کننده تقارن یا عدم تقارن در روابط بین کشورهاست. روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق را بر اساس شش موضوع گفته شده، بررسی می‌شود.

۳.۲.۱. موضوع امنیتی

- حساسیت: ایران نسبت به تحولات امنیتی عراق حساس است: ظهور داعش، ناآرامی‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی، یا تغییرات در ساختار امنیتی بغداد به سرعت بر امنیت مرزهای غربی ایران تأثیر می‌گذارد. ایران نسبت به عراق نیز در موضوعاتی مانند تغییر در دولت عراق، یا کاهش نفوذ نیروهای شیعه نزدیک به ایران حساس محسوب می‌شود و می‌تواند بر قدرت چانه‌زنی تهران اثرگذار باشد. در مقابل، عراق نسبت به مداخله بازیگران خارجی و بی‌ثباتی داخلی که می‌تواند منجر به خشونت‌های فرقه‌ای یا تحریکات تروریستی شود، حساسیت دارد.

- آسیب‌پذیری: ایران در برابر گسترش تروریسم در خاک عراق آسیب‌پذیر محسوب می‌شود. در مقابل، عراق نیز نسبت به عدم حمایت سیاسی و امنیتی ایران در مواجهه با تهدیدات گروه‌های تروریستی و یا درگیری نظامی - امنیتی ایران با طرف ثالث آسیب‌پذیر محسوب می‌شود.

۳.۲.۲. موضوع اقتصادی

- حساسیت: جمهوری اسلامی ایران نسبت به بازار عراق حساس است، به‌ویژه در دوران تحریم که عراق یکی از معدود مجراهای تنفس اقتصادی ایران به حساب می‌آید. عراق در مقابل، نسبت به تأمین برق و گاز مصرفی خود به ایران وابسته است، که قطع واردات آن‌ها می‌تواند باعث کمبود برق در شهرهای عراق به ویژه در فصل تابستان و بروز ناآرامی‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی در این کشور شود.

- آسیب‌پذیری: اگر صادرات ایران به عراق متوقف شود، بخشی از درآمد ارزی کشورمان کاهش می‌یابد؛ اما توانایی جایگزینی بازار را به صورت محدودی دارد. عراق آسیب‌پذیری بالاتری دارد، چون جایگزینی فوری واردات انرژی از ایران بسیار دشوار است. تمام طرح‌های جایگزینی انرژی ایران، زمان‌بر خواهد بود و به لحاظ اقتصادی صرفه ندارد. ضمناً، هرگونه کاهش صادرات ایران (مثلاً به دلیل تحریم یا تحولات سیاست داخلی یا فشارهای خارجی) می‌تواند باعث نارضایتی عمومی یا مشکلات اقتصادی در عراق شود.

۳.۲.۳. زیرساخت‌های مواصلاتی

- حساسیت: ایران نسبت به تکمیل پروژه‌های حمل‌ونقل و جابجایی کالا و بار در محور شرقی - غربی از طریق عراق بسیار حساس است، چون این مسیر بخشی از راهبرد «اتصال به مدیترانه» محسوب می‌شود - البته در حال حاضر با توجه به تحولات سوریه، بخش نهایی پروژه

در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. عراق نسبت به تکمیل خطوط ریلی و جاده‌ای که موجب افزایش صادرات ایران به بازارهای داخلی‌اش شود حساسیت دارد، چرا که می‌تواند پروژه‌های بزرگ بندر فاو و «مسیر توسعه» را تحت الشعاع قرار دهد. اهمیت ژئوپلیتیکی پروژه‌های مواصلاتی میان ایران و عراق، به حدی است که می‌تواند پیامد گسترده‌ای در سطح منطقه‌ای داشته باشد که موجب ورود طرف ثالث برای مانع‌تراشی در اجرای پروژه‌های مذکور می‌شود.

- آسیب‌پذیری: ایران نسبت به اختلال مسیرهای صادراتی از منظر نارضایتی شرکت‌ها، تجار و صادرکنندگان ایرانی، احتمال اعتراض ساکنین و مسئولین استان‌های مرزی و همچنین، کاهش درآمد گمرکات، آسیب‌پذیر است. عراق در برابر اختلال در مسیرهای واردات انرژی، کالا و مواد غذایی از طریق ایران، آسیب‌پذیر است. بسیاری از استان‌های جنوبی عراق وابسته به صادرات کالا از طریق پایانه‌های مرزی ایران (خسروی، مهران، شلمچه) هستند.

۳.۲.۴. موضوع محیط زیستی و منابع مشترک

- حساسیت: گردوغبارهای ناشی از بیابان‌زایی در عراق، موجب هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران شده است. موضوع خشک شدن هورها در محدوده‌ی مرزی دو کشور یکی از کانون‌های گردوغبار محسوب می‌شود، که یکی از عوامل آن، کمبود منابع آبی مورد نیاز این هورهاست. امری که باعث شده عراق آن را به مسأله منابع آبی مشترک مرتبط سازد؛ موضوعی که البته با دیدگاه طرف ایرانی منطبق نیست. این در حالی که عراق نسبت به ساخت سدهای بالادستی در ایران و کاهش سهم خود از رودخانه‌های مشترک حساس است. موضوعی که نیازمند گفتگوهای فنی میان دو کشور است. چرا که هر دو کشور نسبت به جریان رودخانه‌های مرزی و منابع آبی خود به علت اهمیت آن در کشاورزی، شرب، و حمل‌ونقل حساسیت دارند.

- آسیب‌پذیری: ایران آسیب‌پذیرتر است چون با خشک شدن تالاب‌ها (هورالعظیم) و تغییر الگوهای بارندگی، بیشترین اثر را از مدیریت نامناسب منابع عراق می‌پذیرد. عراق نیز در جنوب (بصره و العماره) از شوری آب و کم‌آبی رنج می‌برد (که عمدتاً ناشی از سیاست‌های نادرست عراق طی دهه‌های گذشته بوده) و برای مدیریت منابع نیازمند همکاری ایران است. عراق در پایین دست قرار دارد و در صورت قطع یا کاهش جریان آب آسیب‌پذیری بیشتری دارد. ایران نیز در صورت فشار دیپلماتیک یا امنیتی برای آزادسازی آب، به ویژه در استان‌های مرزی آسیب‌پذیر است (شریفی و دیگران، ۱۴۰۱).

۳.۲.۵. موضوع مذهبی و فرهنگی

- حساسیت: هر دو کشور نسبت به تحولات در روابط مرجعیت دینی (نجف و قم) و روندهای زیارتی مانند مراسم پیاده‌روی اربعین بسیار حساس‌اند (عامری و رمضان‌زاده، ۱۴۰۱). ایران نگران احتمال اختلال در تعاملات مذهبی با حوزه‌های علمیه عراق یا محدودیت زائران خود است. عراق نیز نسبت به برداشتهای سیاسی از مراسم مذهبی حساس است.

- آسیب‌پذیری: ایران نسبت به عراق در این زمینه آسیب‌پذیرتر است، زیرا بسیاری از مؤلفه‌های هویت مذهبی شیعی، در پیوند با نجف، کربلا و سایر شهرهای زیارتی عراق قرار می‌گیرد. عراق نیز اگر مشارکت زائران ایرانی قطع شود، آسیب اقتصادی و به نوعی خسران در مشروعیت مذهبی متحمل خواهد شد که واجد پیامدهای سیاسی و مذهبی است (International Crisis Group, 2018: 9).

۳.۲.۶. همکاری‌های منطقه‌ای

- حساسیت: جمهوری اسلامی ایران نسبت به مشارکت عراق در ائتلاف‌ها و پیمان‌های مورد حمایت غرب یا جهان عرب (مانند شورای همکاری خلیج فارس، یا پیمان امنیتی با ناتو یا ائتلاف بین‌المللی ضد داعش) حساس است. ایران از نقش‌آفرینی منطقه‌ای و بین‌المللی عراق (در حد توان و ظرفیت‌های این کشور) استقبال می‌کند و آن را فرصت و دروازه‌ای برای گسترش روابط خود می‌داند؛ اما گرایش پیدا کردن سیاست خارجی عراق به یک قدرت یا بلوکی از کشورها، می‌تواند پیامدهایی برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد که سیاست خارجی ایران (به ویژه در سطح منطقه‌ای) را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد. عراق نیز نسبت به تلاش گروه‌های مقاومت برای استفاده از خاک آن کشور علیه بازیگران ثالث، حساسیت دارد. بغداد سال‌هاست که تلاش کرده بر اساس اصول سیاست خارجی متوازن اقدام نماید (Ahouie & Tefagh, 2024: 645)، اما فشارهای خارجی و پویایی‌های سیاست داخلی در این کشور مانع از انسجام لازم جهت پیشبرد کامل سیاست مذکور شده و همین امر نیز سایر بازیگران را نسبت به مواضع عراق حساس کرده است و در مقابل، عراق هم هرگونه طرح و پروژه منطقه‌ای سایر کشورها را با نگرانی دنبال می‌نماید.

- آسیب‌پذیری: ایران در برابر فاصله گرفتن دولت عراق از محور مقاومت آسیب‌پذیر است، به‌ویژه اگر احزاب و گروه‌های مخالف تهران در بغداد نفوذ بالاتری یافته یا کنترل دولت را در اختیار بگیرند (Hiltermann, 2020). عراق در برابر قرار گرفتن در محور رقابت‌های بین‌المللی

(ایران - آمریکا) یا منطقه‌ای (ایران و جهان عرب) آسیب‌پذیر است، که می‌تواند توازن و جایگاه منطقه‌ای‌اش را بر هم زند و حتی سیاست داخلی عراق را دستخوش بی‌ثباتی کند (Phillips, 2018). همانطور که مشاهده شد، حساسیت و آسیب‌پذیری دو کشور نسبت به یکدیگر نسبتاً شدید و نامتقارن محسوب می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی و عراق در برخی حوزه‌های دیگر مانند نقش منطقه‌ای (تعامل با آمریکا یا جهان عرب) دست بالاتر را دارند. عراق به‌واسطه مشارکت در سازوکارهای عربی و شراکت راهبردی با آمریکا (که در سال ۲۰۰۸ به امضای طرفین رسید) در سال‌های اخیر دست بازتری در تعامل رسمی با این دو بازیگر پیدا کرده است. این نکته قابل توجه است که ثبات و انسجام سیاست خارجی عراق به‌خاطر رقابت‌های داخلی و مداخله بازیگران متعدد همچنان ضعیف و ایفای نقش این کشور کم‌اثر است. علیرغم تلاش عراق طی سال‌های اخیر برای میزبانی از رویدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، جایگاه این کشور در ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقای عمده‌ای نداشته است. از سوی دیگر، ایران به‌عنوان تنها کشور غیر عرب منطقه خلیج فارس، دارای محدودیت‌های نهادی و مسیرهای رسمی با کشورهای عربی (به جز در قالب سازمان همکاری اسلامی) و غربی است، اما در حوزه‌های تخصصی و راهبردی خود نفوذ مستمر و سیاست‌های یکپارچه‌تری را دنبال می‌کند.

لازم به ذکر است جمهوری اسلامی ایران با چالش‌هایی برای فعال‌سازی ظرفیت‌ها و توانایی‌هایش در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی روبروست. ایران علیرغم دارا بودن ظرفیت‌های قابل توجه (جمعیت بیش از ۸۵ میلیون نفر، ذخایر عظیم نفت و گاز، موقعیت ژئوپلیتیک استراتژیک در قلب غرب آسیا و تاریخ فرهنگی و تمدنی غنی) در «نقش‌آفرینی» خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با برخی محدودیت‌های ساختاری و راهبردی مواجه است. اقتصاد تحت تحریم که پشتیبانی از طرح‌ها و پروژه‌های بین‌المللی ایران را محدود می‌کند؛ و رقابت‌ها و عدم اعتماد نسبی منطقه‌ای نیز به‌عنوان محیط عملیاتی ایران، یک عامل دیگر محدودکننده (به صورت نسبی) به حساب می‌آید.

بر اساس آموزه‌های نظریه وابستگی متقابل، بیشتر اشکال وابستگی متقابل اقتصادی و زیست‌محیطی، دارای امکان «سود یا زیان مشترک» هستند. آگاهی متقابل از امکان سود و زیان جمعی، و همچنین خطر بدتر شدن موقعیت هر بازیگر از طریق رقابت‌های شدید بر سر توزیع منافع، می‌تواند استفاده از «وابستگی نامتقارن» را محدود سازد. این امر در روابط ایران و عراق به ویژه در پرونده‌های زیست‌محیطی و تجاری مشهود است.

۳.۳. فرایندهای سیاسی در روابط دوجانبه ایران و عراق

بر اساس نظریه وابستگی متقابل، سه فرایند سیاسی مهم مبتنی بر مفروضات این نظریه شامل استراتژی پیوندهای، تعیین دستور کار و روابط فراملی و بین دولتی می‌شود. در این راستا، مؤلفه‌های مذکور منطبق بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق به ترتیب ذیل شرح داده می‌شود:

بر اساس نظریه وابستگی متقابل، جمهوری اسلامی ایران علیرغم برتری نظامی - امنیتی و اقتصادی نسبت به عراق، امکان پیوندهای آن با سایر حوزه‌ها از جمله زیست محیطی یا مواصلاتی را ندارد. در مقابل، عراق نیز با کمک دولت‌های ثالث (غربی و عربی) یا سازمان ملل، قدرت چانه زنی خود را در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران افزایش می‌دهد.

در بحث تعیین دستور کار نیز در روابط دوجانبه مشاهده شده است در مقاطع مختلف، با «سیاسی سازی» (توسط کشورهای غربی یا عربی، شورای امنیت سازمان ملل، و گروه‌های معارض)، گاه اقتصاد، گاه امنیت یا مسائل فرهنگی در کانون و «دستور کار» روابط قرار می‌گیرند. در مواقع خاص مانند زمان اربعین (تشدید موضوعات سیاسی یا فرهنگی)، یا فصل تابستان (بحث کمبود برق)، یک موضوع خاص در رأس دستور کار روابط دوجانبه قرار می‌گیرد. نقش آفرینی بازیگران خارجی و بازیگران غیردولتی متعدد از جمله احزاب و گروه‌های سیاسی و قومی، شرکت‌های خارجی، مجموعه‌های مذهبی و دینی و ... در عراق موجب از بین رفتن مرزهای سیاست داخلی و بین‌المللی شده است. این وضعیت، مذاکرات رسمی و غیررسمی بین طرف‌های ایرانی و عراقی و همچنین، نقشه راه روابط دو کشور را دستخوش تعاملات متعدد و چندبعدی می‌کند که در نتیجه تمایز میان سیاست داخلی و خارجی را مبهم می‌سازد و زمینه ائتلاف‌سازی‌های متقاطع را فراهم می‌کند. این امر موجب می‌شود تا بسیاری از بازیگران غیردولتی و حتی دولت‌های ثالث، توان تأثیرگذاری بر روابط دوجانبه ایران و عراق را پیدا کنند.

۴. پیشنهاد های کاربردی

همانطور که در مقدمه اشاره شد، پس از تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق بر اساس نظریه وابستگی متقابل پیچیده (و نامتقارن)، مشکلات موجود در روابط دوجانبه و راه حل‌های پیشنهادی تشریح می‌گردد. بر همین اساس، برای رفع مشکلات روابط فیمابین و با هدف پایدارسازی روابط، پیشنهاد های زیر ارائه می‌شود.

روابط ایران و عراق به رغم توسعه نسبی پس از سال ۲۰۰۳، همچنان تا حد زیادی درگیر نگاه و رویکرد امنیتی است. همکاری در مبارزه با داعش، نقش گروه‌های مقاومت و همکاری امنیتی دوجانبه از جمله مصادیق آن محسوب می‌گردد. پیامدهای این وضعیت عبارتند از: روابط شخصی‌سازی شده، غیرنهادی، و آسیب‌پذیر نسبت به تغییرات در سیاست داخلی، و فشار و تهدید خارجی.

۴.۱. هدف راهبردی: مقاوم‌سازی روابط از طریق وابستگی متقابل چندبُعدی

برای رسیدن به روابطی پایدار و مقاوم، باید تعدد مسیرهای ارتباطی و گستردگی حوزه‌های همکاری را افزایش داد. این دقیقاً همان چیزی است که نظریه کوهن و نای پیشنهاد می‌کند. سیاست‌های پیشنهادی برای عبور از رویکرد امنیتی به تعاملات چندبُعدی شامل موارد زیر می‌شود:

۴.۱.۱. نهادینه‌سازی روابط اقتصادی

- افزایش پیوندهای رسمی: امضای توافق‌نامه‌های بنیادی و بلندمدت در زمینه انرژی، زیرساختی، بانکداری و تجارت ترجیحی.
- تشکیل اتاق‌های مشترک بازرگانی استانی
- سرمایه‌گذاری متقابل: تسهیل سرمایه‌گذاری ایرانیان در پروژه‌های خدمات شهری، سلامت، و کشاورزی عراق و بالعکس.
- همگرایی در سیاست‌های انرژی: تبدیل ایران و عراق به قطب مشترک صادرات انرژی به منطقه.

۴.۱.۲. گسترش همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی

- ایجاد نهادهای فرهنگی مشترک: بنیادهای فرهنگی ایران - عراق در نجف، مشهد و کربلا با تمرکز بر تبادل دانشگاهی، زبان فارسی و عربی، میراث مشترک تمدنی و دینی.
- مراسم اربعین به عنوان ابزار انسجام منطقه‌ای: نهادمندسازی مدیریت اربعین از طریق سازمان مشترک (با ساختار حقوقی و مالی شفاف).

۴.۱.۳. همکاری‌های محیط‌زیستی و خدماتی

- پروژه‌های مشترک برای کنترل ریزگردها، احیای تالاب‌ها و مدیریت بحران کم‌آبی
- ایجاد صندوق‌های توسعه مرزی ایران و عراق برای پروژه‌های مشترک در استان‌های مرزی
- همکاری زیست‌محیطی در حوزه رودخانه‌های مرزی و گردوغبار در قالب نهادهای منطقه‌ای

۴.۱.۴. تقویت روابط نهادی و کاهش شخصی‌سازی

- روابط باید از سطح گروه‌های سیاسی و قومی و اشخاص ذی‌نفوذ به سطح نهادهای پایدار ارتقا یابد.
- تشکیل شورای همکاری راهبردی ایران و عراق با حضور وزرا و نهادهای غیردولتی برای تصمیم‌سازی‌های دوره‌ای.

۴.۱.۵. مقاوم‌سازی روابط در برابر کشورهای ثالث:

در چارچوب نظریه وابستگی متقابل، هرچه حوزه‌های وابستگی بیشتر و متقارن‌تر باشند، هزینه قطع یا تخریب رابطه بالاتر می‌رود. کشورهای ثالث زمانی می‌توانند رابطه ایران و عراق را تخریب کنند که رابطه به یک یا دو مسیر (مثلاً امنیت) محدود باشد؛ اما اگر روابط اقتصادی، مذهبی، آموزشی، فرهنگی و نهادی قوی باشد، فشار خارجی نمی‌تواند همه این سطوح را همزمان مختل کند.

نتیجه‌گیری

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق دارای مناسبات درهم‌تنیده و متنوع و گسترده است که در آن بازیگران دولتی و غیردولتی در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و از طریق ساختارهای نهادی و غیرنهادی هم‌زمان و به صورت متقابل، مناسبات دوجانبه را شکل می‌دهند. روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق نمونه‌ای از «وابستگی متقابل پیچیده» است. برخی بر این باورند که این نظریه درک محدودی از نقش قدرت سخت در مواقع بحران شدید دارد؛ یا این که پیش فرض اصلی این نظریه، رفتار عقلانی و نهادمند بازیگران است، در حالی که ممکن است انگیزه‌های ایدئولوژیک یا قومی غلبه داشته باشد. با این وجود، بررسی انجام شده نشان می‌دهد که نظریه کوهن و نای نه تنها در روابط کشورهای غربی، بلکه در محیطی مانند غرب آسیا نیز، در صورت وجود ساختارهایی از همبستگی، قدرت تبیین‌گری بالایی دارد. این نظریه، نه رئالیسم صرف را می‌پذیرد و نه پررنگ کردن بدون محدودیت «قدرت نرم» را؛ بلکه بر تعامل نسبی و متناسب مسیرها و بازخوردهای آن‌ها تأکید دارد.

سؤال اصلی مقاله این بود که چگونه می‌توان رابطه ایران و عراق را در برابر ضربه‌های درون‌زاد و فشار بازیگران ثالث مقاوم کرد؟ فرضیه پژوهش مبتنی بر مقاوم‌سازی مستلزم افزایش دامنه همکاری، نهادمندسازی رابطه، و متقارن‌سازی روابط در حوزه‌های کلیدی است. برای آنکه روابط ایران و عراق از فاز امنیت‌محور به مرحله‌ای پایدار، متنوع و نفوذناپذیر برسد:

۱) باید روابط چندبُعدی و متوازن ایجاد کرد؛ ۲) وابستگی را از حالت نامتقارن به سمت متقارن سوق داد؛ ۳) تعاملات نهادی، عمومی و شفاف شود، نه صرفاً فردی یا امنیتی؛ ۴) ساختارهای جدیدی برای بازدارندگی در برابر تخریب رابطه از سوی کشورهای ثالث ایجاد شود.

تحقق این برنامه نیازمند اراده سیاسی، ثبات نسبی داخلی، و بازنگری در شیوه تعامل سنتی ایران با عراق است. البته فشارهای سیاسی، اقتصادی، تحریم‌ها و همچنین، فرار و نشیب‌های سیاست داخلی عراق، از جمله موانع عملی در روابط دوجانبه محسوب می‌شود. چارچوب وابستگی متقابل پیچیده به ما نشان می‌دهد که هرچه تعاملات چندبُعدی‌تر، نهادمندتر و متوازن‌تر باشند، امکان تخریب رابطه توسط بازیگران ثالث کاهش می‌یابد و امنیت و منافع ملی ایران در بستر یک منطقه باثبات بهتر تأمین می‌شود، اعتماد طرف عراقی جلب شده و در نهایت همکاری بیشتر در همه حوزه‌ها رخ خواهد داد و آسیب‌پذیری روابط دوجانبه بسیار کاهش می‌یابد.

در تحقیقات آینده برای آزمون‌پذیر ساختن ادعاها باید شاخص‌های دقیق و سنجش‌پذیر تعریف شود: سهم تجارت دوجانبه و سهم کالاها و انرژی (برای حساسیت اقتصادی)، زمان و هزینه جایگزینی تأمین‌کننده یا مسیر ترانزیتی (برای آسیب‌پذیری اقتصادی)، شمار زائران و گردش مالی زیارتی (برای مسیر فرهنگی)، شاخص نفوذ سیاسی گروه‌های وفادار (برای مسیر امنیتی)، و شاخص‌های نهادی مانند تعداد توافق‌نامه‌های بلندمدت و وجود نهادهای دائمی مشترک (برای پایداری نهادی). ترکیب روش‌های کمی (داده‌های تجارت رسمی و غیررسمی و صادرات انرژی و شاخص‌های شبکه‌ای برای کشف گره‌های ارتباطی میان بازیگران فراملی مؤثر) و کیفی (مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با بازیگران کلیدی، تحلیل شبکه‌های مذهبی و اقتصادی و مطالعات میدانی مرزی) بهترین راه برای اندازه‌گیری حساسیت و آسیب‌پذیری و محاسبه نسبت عدم‌تقارن میان ایران و عراق خواهد بود. در این صورت می‌توان دریافت چگونه ترکیب ابزارهای سخت و نرم و بازیگران دولتی و غیردولتی، الگوی پایداری یا شکنندگی رابطه تهران - بغداد را شکل می‌دهد و چه سیاست‌هایی می‌تواند وابستگی را متقارن یا مقاوم کند.

منابع و مآخذ

فارسی:

- اکوایران. (۱۴۰۳، اردیبهشت ۲). *ایران بازم از ترکیه جا ماند / عراقی‌ها در صدر گردشگران ورودی*. <https://ecoiran.com/> بخش-فید-اقتصادی-۷۹۸۲۱/۱۹۱.
- ایوب منتی، و ناصر هادیان. (۱۳۹۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از منظر موازنه تهدید*. *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۷(۲)، ۱۶۴-۱۳۹.
- پورحسن، ناصر و خوشناموند، افسانه. (۱۳۹۹). *شکل‌گیری مرز نرم در روابط ایران و عراق در دوره پساصدام*. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۹(۳۴)، ۱۰۵-۷۳.
- تین نیوز. (۱۳۹۴/۹/۲۱). *ظریف: اقدامات ایران علیه داعش با هماهنگی دولت عراق انجام می‌شود*. Retrieved August 8, 2025, from <https://www.tinn.ir/.../49312-> داعش-با-هماهنگی-دولت-عراق-است
- جعفری، ر.، و میرزاپور، س. (۱۴۰۰). *تحلیل نقش گردشگری مذهبی در تعمیق روابط مردم‌محور ایران و عراق: مطالعه موردی زائران اربعین*. *مجله جغرافیا و توسعه فضای فرهنگی*، ۵(۱)، ۷۴-۵۵.
- عامری، امیر و رمضان زاده، هادی (۱۴۰۱). *دیپلماسی فرهنگی ایران و عراق با مطالعه موردی زیارت اربعین، دومین کنفرانس علوم اجتماعی، روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی*. <https://www.khabaronline.ir/news/342768> *مرز ایران و عراق کجاست؟* (بهمین ۲۹)
- سیمبر، ع.، فاضلی، ح.، و رضاپور، ع. (۱۴۰۲). *منابع قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در عراق*. *پسدادعش و تهدیدهای پیش‌رو*. *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۲۱(۸۴)، ۲۰۶-۱۷۳.
- شریفی، ز.، اخوان‌کاملی، م.، صادقی، ش.، و منتظری، ب. (۱۴۰۱). *نقش عناصر زیست‌محیطی در ایجاد تنش‌های آتی بین ایران و عراق*. *مطالعات سیاسی بین‌النهرین*، ۱(۱)، ۷۵-۵۳. <https://ensani.ir/fa/article/518676>
- فرارو. (۱۴۰۳، خرداد ۱۳). *یک گام تا تجارت میلیارد دلاری ایران با عراق / ترانزیت یکسره با عراقی‌ها نداریم*. <https://fararu.com/fa/news/873327>
- فرجی داراخوانی، م.، و مرادی، ح. (۱۴۰۰). *تحلیل نقش گردشگری مذهبی اربعین در توسعه پایدار شهرهای مرزی ترانزیتی (مطالعه موردی: شهر مهران)*. *فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، ۲(۲)، ۲۴-۱.
- قائمی، یاسر و قیاسی، صابر (۱۴۰۲). *سیاست خارجی عراق و روابط با ایران، در پرتو تغییر حاکمان سیاسی عراق (بعد از سقوط صدام، ۲۰۰۳ - ۲۰۲۲)*. *مطالعات سیاسی بین‌النهرین*، ۲(۲)، ۳۱۷-۲۹۳.
- محمدنیا، مهدی و سیفی، عبدالمجید. (۱۴۰۱). *وابستگی متقابل پیچیده: چارچوبی برای تحلیل روابط هند و ایالات متحده*. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳(۳)، ۲۲۹-۲۰۳.
- محمودیان، وحید. (۱۴۰۳). *بررسی ظرفیت‌های صنعت گردشگری (فرهنگی و مذهبی) کشورهای ایران و عراق وحید*. *فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی*، ۹(۳۱)، ۱۲۶-۱۴۶.

مرادی جهانبخش، سهرابیان اعظم (۱۴۰۱). دیپلماسی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید
مطالعات سیاست بین الملل، ۲ (۳)، ۳۶-۱.

مشرق نیوز، (۱۴۰۲، شهریور ۲۰). تحصیل ۹۴ هزار دانشجوی خارجی در ایران. <https://www.mashreghnews.ir/news/1452781>

انگلیسی:

- Acharya, A. (2014). *The end of American world order*. Polity.
- Ahouie, M., & Tefagh, M. (2024). A Difficult Friendship: Elements of Continuity and Change in Iran-Iraq Relations in Post-Saddam Era. *Journal of World Sociopolitical Studies*, 8(3), pp. 615-652.
- Axelrod, R., & Keohane, R. O. (1985). Achieving cooperation under anarchy: Strategies and institutions. *World Politics*, 38(1), 226-254.
- Barzegar, K. (2008). Iran's foreign policy in post-invasion Iraq. *Middle East Policy*, 15 (4), 47-58.
- Darvishi Setalani, F., & Vatankhah, Z. (2018). A study of the Islamic Republic of Iran's policy toward new Iraq (2003-2015). *Geopolitics Quarterly*, 13(4), 1-19.
- Genest, M. A. (1996). *Conflict and cooperation: Evolving theories of international relations*. HarperCollins College Publishers.
- Hiltermann, J. (2020). Iraq: The perils of relying on militias. *Middle East Report*, International Crisis Group.
- International Crisis Group. (2018). Iran's religious influence in Iraq: The role of pilgrimage and clerical networks. *ICG Middle East Report*. (204).
- International Crisis Group. (2018, April 13). Iran's priorities in a turbulent Middle East. *Middle East Report* (184).
- International Crisis Group. (2020). Iran's networks of influence in the Middle East. *Middle East Report* (218).
- Katzenstein, P. J. (1996). *The culture of national security: Norms and identity in world politics*. Columbia University Press.
- Keohane, R. O., & Nye, J. S. (2012). *Power and interdependence: World Politics in Transition*. 4th Edition, New York: Longman.
- Lake, D. A. (2009). *Hierarchy in international relations*. Cornell University Press.
- Mearsheimer, J. J. (1994). The false promise of international institutions. *International Security*, 19(3), 5-49.
- Oye, K. A. (1986). *Cooperation under anarchy*. Princeton University Press.
- Phillips, D. L. (2018). *The Great Powers and Iraq: From the Gulf War to ISIS*. Routledge.
- Risse, T. (2010). Governance in areas of limited statehood—Framework and methodology. In T. Risse (Ed.), *Governance without a state? Policies and politics in areas of limited statehood* (pp. 23-55). Columbia University Press.
- Sari, İ. (2021). Iran's new Iraq policy after Saddam: From sociological dynamics to political realities. *The Journal of Iranian Studies*, 5(2), 427-454.
- Van Veen, E. (2020, October). *Coming out and breaking out: The US, Iran and Europe go nuclear* (CRU Report). Clingendael Institute.
- Waltz, K. N. (1979). *Theory of international politics*. McGraw-Hill

